

توانایی درک دنیا از کجا نشأت می‌گیرد؟ اعمال ما چه زمانی در دنیا معنا پیدا می‌کنند؟

درک دنیا چه زمانی به درستی شکل می‌گیرد؟ لازمه تفسیر درست دنیا چیست؟

تا به حال به این فکر کرده‌اید که چرا زندگی دنیا برای بعضی از ما معنادار و برای برخی دیگر پوچ و بی‌اهمیت است؟ لازمه اینکه درک دنیا برای ما به درستی انجام شود، چیست؟

اصلاً چرا به یک میزان از بودن در دنیا احساس رضایت نمی‌کنیم؟

علت اینکه هرکدام از ما نسبت به دنیا و مسائل آن واکنش‌های متفاوتی داشته و اتفاقات آن را به صورت‌های مختلفی تفسیر می‌کنیم، چه می‌تواند باشد؟

حقیقت این است که ما با وجود اینکه در دنیا زندگی می‌کنیم، با آن انس داریم و مراحل مختلف عمرمان را در آن سپری می‌کنیم، اما نسبت به آن نگاه یکسانی نداریم؛ برخی از ما به دنیا به عنوان بخشی از زندگی خود نگاه می‌کنیم و بعضی هم کلاً زندگی را محدود به دنیا دیده و از همین رو با ابهامات بسیاری روبه‌رو می‌شویم؛ مثل اینکه چرا باید دست به فلان انتخاب بزنیم، از برخی از رفتارها دوری کنیم، خودمان را در معرض هر ارتباطی قرار ندهیم، یا روند افکارمان را به صورت خاصی مدیریت کنیم؟! در واقع این **نگاه به دنیا** از دیدی که به خود به عنوان یک انسان داریم ناشی شده و تنها در صورتی به هدف مطلوب نزدیک می‌شود که خود را به عنوان **موجودی ابدی** و جاودانه در نظر بگیریم؛ موجودی که بناست بخشی از زندگی خود را در دنیا گذرانده و به این واسطه خود را برای مراحل بعدی حیاتش آماده کند؛ اما به دلیل اینکه اغلب با تعریف درست و دقیق از خود فاصله داشته و خود را جاودانه نمی‌بیند، در درک دنیا و تفسیر احوالات و شرایط آن به اشتباه می‌فتد.

ما در درک و تفسیر امور مختلف با دو حالت مواجهیم. اموری که تفسیر آن‌ها به صورت مستقل انجام می‌گیرد و اموری که تفسیرشان به چیز دیگری وابسته بوده و بررسی عملکردشان به تنهایی بی‌معناست.

مثلا می‌توانیم یک دوچرخه یا یک ساعت را به طور جداگانه بررسی کنیم، اما بررسی کار یک چرخ دنده بدون در نظر گرفتن وسیله‌ای که این چرخ دنده عضوی از آن بوده و تمام هدف و کارکردش در راستای آن تنظیم شده است، ممکن نیست؛ حالا سوال اینجاست که دنیا در کدام دسته قرار می‌گیرد؟ آیا می‌توان دنیا را به تنهایی و به طور مستقل تفسیر کرد، یا درک دنیا وابسته به فهم مجموعه بزرگتری است که دنیا در دل آن قرار گرفته و بدون آن معنا ندارد؟ در این درس قصد داریم به پاسخ این سوال پرداخته و از غایت و هدفی که لازمه درک دنیا و تفسیر درست آن است، صحبت کنیم.

عدم درک دنیا بدون ابدیت

در حقیقت درک دنیا وابسته به نوع نگاه ما به خود به عنوان موجودی ابدی و جاودانه است و ما برای درک دنیا و داشتن تفسیر درستی از آن نیازمند فهم ابدیتیم؛ چون ابدیت است که دنیا را دربرگرفته و غایت و مقصد نهایی آن محسوب می‌شود. همان‌طور که امکان آمادگی برای امتحان بدون اطلاع از موضوع یا هدف آن وجود ندارد، یا نمی‌شود بدون در نظر داشتن فرم یا هدف از ایجاد یک وسیله شروع به ساخت آن کرد، درک دنیا نیز بدون در نظر گرفتن ابدیتی که حاصل فعالیت‌ها و عملکرد ما در دنیا بوده و رسیدن به هدف نهایی خلقت در آن صورت می‌گیرد، ممکن نیست. در واقع فهم ما از دنیا زمانی به درستی محقق می‌شود که آن را به عنوان بخشی از زندگی جاودانه خود دیده و مناسبات و بایدها و نبایدهای آن را برای یک موجود ابدی و جاودانه تعریف کنیم.

با این وجود انتظار زندگی در دنیا بدون در نظر داشتن آخرت و ابدیت، مشابه شرایط جنینی است که بدون توجه به دنیایی که قرار است به آن متولد شود، شروع به اندامسازی نماید. به همان مقدار که ورود به دنیا برای جنین بدون در نظر گرفتن شرایط و لوازم مورد نیاز زندگی در آن بی‌معنی بوده و با خسارت روبه‌روست، ورود سالم ما به آخرت هم بدون توجه به شرایط، حداقل‌ها و لازمه‌های زندگی در آن، انتظاری بی‌معناست.

وجود دنیا و شرایط و ویژگی‌های آن است که به حرکات جنین در رحم مادر معنا می‌بخشد؛ اگرچه ساختن دست و پا برای جنینی که به ندرت می‌تواند آن را در فضای کوچک رحم حرکت دهد، یا ساخت ریه برای رحمی که در آن هوا وجود ندارد، معنا و مفهومی ندارد؛ پس می‌توان گفت که آگاهی از شرایط دنیا و ملزومات آن است که حرکات و رفتارهای جنین در رحم مادر را تفسیر کرده و در حقیقت به آن علت و دلیل می‌دهد. البته طبق **قضیه نسبت** چنین رابطه‌ای در مورد رابطه آخرت با دنیا هم صادق است؛ یعنی این آخرت و ابدیت است که علت و دلیل کارها و اعمال ما در دنیا را واضح کرده و به آن‌ها جهت می‌دهد و با حذف آخرت، باید‌ها و نبایدهای زندگی ما در دنیا نیز موضوعیت خود را از دست داده و بیهوده و بی‌معنا جلوه می‌کنند. درست مثل دانش‌آموزی که تمام برنامه خود را برای کسب رتبه برتر در کنکور تنظیم کند و بعد متوجه حذف کنکور شود، یا مادری که با توجه به سفر پیش رو اقدام به تهیه غذا و مایحتاج سفر کند و با لغو سفر موضوعیتی برای کار خود نبیند.

در حقیقت در تمام این مثال‌ها این هدف کلی ماست که به کاری که در حال انجام آن هستیم جهت داده و شاخصه‌ها و حدود آن را مشخص می‌کند و با حذف هدف، کار ما نیز موضوعیت خود را از دست داده و بیهوده و بی‌معنا می‌شود؛ کمااینکه مهیا شدن ما برای سفر زمانی که سفری در پیش رو نداشته باشیم، بی‌معناست. به این ترتیب درک دنیا و کارهای ما نیز زمانی امکان‌پذیر است که از هدف نهایی و غایتی که منتظر ماست، باخبر باشیم.

چرایی وابسته بودن درک دنیا به آخرت

رابطه دنیا با آخرت به قدری تنگاتنگ بوده و در هم تنیده است که امکان تصور دنیا بدون آخرت ممکن نیست؛ اما چگونه می‌توان چنین ادعایی را ثابت کرد؟ اجازه بدهید بازهم از قانون نسبت استفاده کرده و با نگاهی به زندگی جنین و ارتباط آن با دنیا، اهمیت وجود آخرت را در زندگی دنیایی‌مان مشخص کنیم. زیرا

به همان میزان که دنیا برای رحم مادر نقش کلیدی و تعیین‌کننده دارد، وجود آخرت نیز برای دنیا لازم و ضروری است.

در واقع قطع ارتباط با عالم دنیا برای جنینی که در رحم مادر در حال اندامسازیست، در کوتاه مدت منجر به نقص و بیماری شده و بسته به نوع، مدت و شدت این قطع ارتباط حتی ممکن است به مرگ او نیز بینجامد؛ چون با قطع این ارتباط، نه تنها هماهنگی جنین با هدف و شرایطی که قرار است خود را با آن سازگار کند، امکان‌پذیر نیست، بلکه منبع تغذیه، رشد و تکامل خود را نیز از دست می‌دهد؛ یعنی حتی قادر به تامین نیازهای حداقلی خود برای زنده ماندن مثل دریافت اکسیژن نبوده و امکان فراهم کردن مواد معدنی، ویتامین‌ها و موادی که برای رشد و اندامسازی در رحم به آن نیازمند است را ندارد و قاعدتا در چنین شرایطی حیات او هم پایان می‌پذیرد.

از طرفی چنین رابطه‌ای در مورد اعمال ما در دنیا با آخرت نیز برقرار است؛ در واقع دنیا با استفاده از ماهیت باشگاهی خود این امکان را برای ما فراهم می‌کند که به کسب اسماء و صفات الهی پرداخته، برای آخرت خود ابزارسازی کرده و آماده شویم. قطع ارتباط با آخرتی که غایت و هدف نهایی ماست، روند ابزارسازی ما در دنیا را متوقف کرده و حرکتمان با کندی و یا بازگشت به عقب مواجه می‌شود، که در نهایت نیز می‌تواند منجر به عدم تولد سالم ما به آخرت یا سقط شدنمان در فضای دنیا گردد. در واقع ما به عنوان یک موجود ابدی و جاودانه نیاز داریم تا از دنیا و مناسبات آن به عنوان رحمی که می‌تواند شرایط یک زندگی سالم را در آخرت برای ما رقم بزند، استفاده کرده و به این وسیله ابدیت خود را تضمین کنیم.